

## بررسی نظرات فقهی امامیه و اهل سنت در باب حکم طواف کودکان در حج

مهین راوند<sup>۱</sup>، حسین احمدی<sup>۲</sup>، علی شیعه<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران  
<sup>۲</sup>دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) Ahmari.hosein@yahoo.com  
<sup>۳</sup>استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران

نویسنده مسئول: Ahmari.hosein@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

### چکیده

یکی از تقسیماتی که در منابع اسلامی راجع به اطفال بکار رفته، تقسیم آنها به اطفال ممیز و اطفال غیرممیز است. این تقسیم‌بندی ریشه قرآنی نیز دارد. خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: (... او الطفل الذین لم یظہروا و علی عورات النساء...) در ترجمه این آیه باید بیان داشت معیار تقسیم اطفال به ممیز و غیرممیز آگاهی و فهم از جنسیت و روابط جنسی، قرار گرفته است. از روایات وارد از معصومین (ع) نیز میتوان سن تمیز را به نحوی از انحاء استنباط نمود. در برخی از این روایات که راجع به آموزش نماز به کودکان دستوراتی داده شده است، سنین آموزش نیز بیان گردیده است که حکایت از سنین آمادگی کودک برای فهم این امور و قوه تمیز او دارد که خود ممکن است در چند مرتبه رشد یابد. در این نوشتار که به روش توصیفی-استدلالی-استنتاجی گردآوری شده است، برآنیم به بررسی نظرات فقهای امامیه و اهل سنت در باب حکم طواف کودکان در حج پردازیم. حج یک امر دینی واجب برای مسلمانان است که باید حداقل یک بار در طول زندگی، توسط همه مسلمانان بالغی که توانایی جسمی و مالی برای انجام سفر و حمایت از خانواده خود در هنگام غیبت از خانه را دارند، انجام شود. طواف یکی از ارکان مهم در زیارت حج به شمار می‌آید. طواف یکی از اعمال واجب حج و عمره است و به معنای هفت دور به گرد کعبه گشتن می‌باشد. در احکام و شرع برای طواف شرایطی از قبیل نیت، طهارت، ستر عورت، موالات و ختنه ذکر شده است. در این خصوص به برخی از شرایط طواف از جمله نیت، طهارت و ختنه پرداخته و سپس طواف نسا را در حج کودک از منظر فقهای امامیه و تسنن مورد ارزیابی قرار داده ایم. نتایج تحقیق حاکی از آن است در برخی اصول و فروع نظر اهل تسنن با فقهای امامیه در تعارض قرار دارد و در برخی موارد از جمله ختان و طواف نسا، اهل تسنن بر خلاف فقهای امامیه آن را از شروط صحت طواف نمی‌دانند و لذا در این خصوص فتوایی صادر نکرده اند. در برخی موارد نیز چون نیت طواف، فقهای امامیه و تسنن هم نظر می‌باشند.

**کلیدواژه:** طواف کودک، حج کودک، صغیر، فقه امامیه، فقه اهل تسنن.

### مقدمه

حج در لغت به معنی قصد است و در اصطلاح فقهی، قصد بیت‌الله الحرام برای انجام مناسک و عبادات مخصوص در زمان معین می‌باشد. حج از بزرگترین شعائر اسلامی است و از بهترین عبادت‌هایی است که بنده را به خالق خود نزدیک می‌سازد. در روایات وارد شده که حج از نماز و روزه بهتر است؛ زیرا نماز گزار ساعتی از اهل و عیال خویش دور می‌گردد و روزه‌دار یک روز، ولی انجام دهنده حج، بدن خود را به زحمت می‌اندازد و مال خود را مصرف می‌نماید و دوری او از اهل و عیالش به طول می‌انجامد. در روایت دیگری آمده است که چیزی برتر از حج نیست، مگر نماز و در حج، نماز نیز وجود دارد. اما سوالی که پیش می‌آید حج در خصوص کودکی است که به سن بلوغ نرسیده اعم از اینکه کودک ممیز باشد یا غیر ممیز. آیا حج بر این اشخاص واجب است؟ دلیل بر حج، آیاتی از قرآن و سنت پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و اجماع فقها است. حج از ضروریات دین است و بر هر مسلمانی که شرایط آن را داشته باشد در تمام عمر، یک بار واجب می‌شود و از جمله شرایط آن بلوغ است، بدین جهت به اتفاق فقها بر کودک، هر چند نزدیک به بلوغ باشد و دیگر شرایط وجوب را هم دارا باشد، واجب نیست. اما اگر کودک نابالغی را به حج بردن آیا چون حج بر وی واجب نیست نباید اعمال حج را به درستی انجام دهند؟ یا در صورت انجام دادن نادرست اعمال حج مثل طواف نسا آیا برای کودک نابالغ مسئولیت شرعی ایجاد نمی‌گردد؟ آیا کودک نابالغ به دلیل اینکه حج بر وی واجب نیست می‌تواند بدون شرط ختان طواف را به جای آورد؟ نیت و طهارت در حج برای کودک به چه صورت است؟ در این مقاله برآنیم طواف کودک را از منظر فقهای امامیه و تسنن مورد ارزیابی قرار دهیم و به سوالات فوق‌الذکر پاسخگو باشیم.

## ۲- شروط طواف

### ۱- نیت

شرط اول در شروط طواف نیت است. آنچه در مورد طواف مورد بحث است این است که آیا نیت در طواف واجب است یا خیر؟ در این باره فقها نظراتی داده اند.

### ۱-۱-۲- نظر امامیه

فقهای امامیه بر وجوب نیت در عبادات اجماع دارند. در اینجا مواردی از نظرات فقها در مورد وجوب طواف ذکر می‌شود. این حمزه می‌نویسد:

پس واجب هفت چیز است. نیت و شروع طواف از حجر و... (طوسی، پیشین: ۱۷۲) بی‌هقی می‌نویسد: و از واجبات طواف نیت است (البیهقی الکیدری، بی‌تا: ج ۱، ۱۵۵). علامه می‌نویسد: و واجب است در آن (طواف) طهاره... و نیت (حلی، پیشین، ۳۲۴) و در تذکره می‌نویسد: در طواف نیت واجب است و نیت در طواف شرط است به خاطر قول (امام سجاد علیه السلام): عمل بدون نیت ارزش ندارد (همان: ۸۶). شهید اول در شمار واجبات طواف می‌نویسد: نیت و باید به قصد قربت باشد (شهید اول، پیشین، ۳۴۹). صاحب جواهر می‌نویسد: واجبات طواف هفت چیز است. از جمله آنها نیت است (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۷، ۱۵۶). محقق خوانساری می‌نویسد: اما اعتبار نیت در طواف، پس در آن خلافی نیست و چونکه طواف عمل عبادی است آنچه در سایر عبادات معتبر است در طواف نیز معتبر است (الخوانساری، ۱۳۵۵: ج ۲، ۴۹۳). بنابراین به طور کلی علما به وجوب نیت در طواف فتوی داده‌اند و از نظر آنها در وجوب نیت اختلافی نیست، پس در نتیجه همانطور که نیت در سایر عبادات واجب است، در طواف هم واجب است.

### ۲-۲-۲- نظر اهل سنت

به اتفاق علمای عامه نیت برای طواف در غیر حج یا عمره همانند نیت در سایر عبادات واجب است و طواف بدون نیت صحیح نیست. اما اگر طواف در حج یا عمره باشد، فقهای عامه در مورد اشتراط نیت اختلاف دارند که اقوال آنها به شرح زیر می‌باشد.

#### قول اول:

گروهی نیت در طواف را شرط دانسته و می‌گویند به طور مطلق طواف بدون نیت صحیح نیست. قایلین به این قول، حنابله و جمعی در نزد شافعیه هستند (الحلبی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۴۲۶).

#### ادله این قول:

قائلین به این قول دو دلیل اقامه کرده‌اند:

۱. طواف عبادتی است که به بیت تعلق دارد پس نیت برای آن شرط است.
  ۲. طواف نماز است و همانطور که در نماز نیت شرط است در طواف نیز شرط است.
- همانطور که در حدیث نبوی آمده: طواف خانه کعبه نماز است مگر اینکه در طواف صحبت کردن مباح شده. پس کسی که در طواف صحبت کند جز به نیکی صحبت نکند (الدارمی، ۱۳۴۹: ج ۲، ۴۴).

#### قول دوم:

نیت در طواف مطلقاً شرط نیست. قایلین به این قول: ابوحنفیه و مالک و ثوری و قول اصح در نزد شافعیه می‌باشد (الکاسانی الحنفی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۰۱). ادله این قول:

دلایلی که آنها اقامه می‌کنند عبارتست از:

۱. نیت نسک در حج یا عمره شامل همه افعال می‌شود پس سایر اعمال حج مثل وقوف به عرفه و مبيت به منی و رمی نیاز به نیت ندارد، زیرا حج در آنها کفایت می‌کند در طواف نیز همینطور است.
۲. نیت عبادت شامل جمیع اجزایش می‌شود پس همانطور که هر رکوع و سجودی در نماز نیاز به دلیل شمول نیت نماز به نیت خاصه ندارد، افعال حج نیز به خاطر شمول نیت حج نیازمند نیت خاصه نیستند.

#### قول سوم:

در این میان کسانی هم مثل ابوهریره از شافعیه، قول سومی به تفصیل برگزیده و گفته؛ اعمالی که محتاج فعل هستند مثل طواف و سعی و رمی نیت در آنها شرط است و اعمالی که محتاج فعل نیستند مثل وقوف به عرفه نیت در آنها شرط نیست. دلیلی از آنها به این قول ذکر نکرده‌اند.

## ۲-۲-۳- نیت در طواف کودک از منظر فقهای امامیه و تسنن

زراره به نقل از امام باقر یا امام صادق (ع) روایتی آورده است که فرموده‌اند:

"هرگاه شخصی فرزند خردسال و نا بالغ خود را به حج برد، باید به او دستور دهد که لبیک بگوید و نیت حج کند. پس اگر او به نیکی و درستی لبیک نگفت، پدرش به نیابت از او و از جانب وی لبیک بگوید و او را طواف دهد."

فقیهان شیعه (نجفی، پیشین: ۱۸۸)، به استناد احادیث بر آن اند که جایز است فرد طواف دهنده، برای خود نیز نیت طواف کند؛ در فقه اهل سنت در باب طواف کودک بیان شده است که اگر کودک بتواند طواف خود را مستقیم انجام دهد که باید انجام بدهد و گرنه باید ولی و سرپرست او این بحث را بر عهده بگیرد (بغدادی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۴۹). در نظر دیگه‌ای که در اهل سنت بیان شده این است که ولی عمل طواف را به عنوان نیابت از کودک غیر ممیز انجام دهد (دسوقی مالکی، بی تا: ج ۱، ۴). و در جای دیگر بیان شده است که نیت طواف از جانب کودک کفایت از حج او نمی‌کند بهتر این است که کودک در صورت امکان خودش طواف را انجام دهد و در این صورت است که عمل طواف او کافی است (نمری قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۲، ۴۱۲).

## ۲-۲- طهارت

### ۲-۲-۱- طهارت از حدث

طهارت از حدث دو قسم است: طهارت با آب که به گونه وضو یا غسل انجام می‌شود. اولی را که برطرف کننده حدث اصغر است طهارت صغری و دومی را که برطرف کننده حدث اکبر است طهارت کبری می‌نامند و طهارت با خاک که به گونه تیمم صورت می‌گیرد و بدل از طهارت صغری و کبری است.

### ۲-۲-۱-۱- نظر فقهای امامیه

بر اساس نص و فتوی طهارت از حدث اصغر و اکبر از نظر امامیه شرط صحت طواف واجب است و در این مورد بین علما امامیه اختلافی نیست. طهارت از حدث اصغر برای صحت طواف مستحبی شرط نیست در این مورد هم اختلافی نیست. اما در شرطیت طهارت از حدث اکبر برای صحت طواف مستحبی اختلاف است. و اکثر فقها قائل به عدم شرطیت آن شده‌اند و مشهور همین است.

#### ادله امامیه:

اخبار و اقوال فقها بر شرطیت طهارت از حدث اصغر و اکبر در طواف واجب دلالت دارد که به آن اشاره می‌شود:

ابی حمزه از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده: سوال شد آیا مناسک بدون وضو انجام می‌شود؟ فرمود: بلی مگر طواف خانه کعبه. پس همانا در آن نماز است. زراره از امام باقر روایت کرده: از امام (علیه السلام) در مورد مردی که بدون وضو طواف کرده سوال کردم آیا به آن طواف اعتنا می‌شود؟ فرمود: نه (طوسی، پیشین: ۱۱۶).

عبید بن زراره از ابو عبدالله روایت کرده، امام فرمود: اشکالی ندارد مرد طواف مستحبی را بدون وضو بگیرد و نماز بخواند پس اگر عمداً بدون وضو طواف کند باید وضو بگیرد و نماز بخواند و کسی که طواف مستحبی انجام دهد و دو رکعت نماز طواف را بدون وضو انجام دهد باید دو رکعت نماز را اعاده کند و طواف اعاده نمی‌شود (شهید اول، پیشین: ۴۴۴).

معاویه ابن عمار روایت کرده، امام صادق (علیه السلام) فرمود: اشکالی ندارد که همه مناسک بدون وضو انجام شود مگر طواف خانه کعبه، و انجام مناسک با وضو افضل است.

#### اقوال علما

شیخ می‌نویسد: کسی که بدون وضو یا جنب طواف کند پس اگر طوافش واجب باشد وضو بگیرد و طواف را اعاده کند و اگر طواف مستحبی باشد غسل کند یا وضو بگیرد و اعاده طواف بر او واجب نیست و کسی که طواف واجب و نماز آن را به جا آورد پس بفهمد که بدون وضو بوده، وضو بگیرد و طواف و نماز اعاده کند و اگر طوافش مستحبی باشد وضو بگیرد و نماز طواف را اعاده کند (طوسی، پیشین: ۲۳۸).

محقق حلی طهارت را جزء واجبات طواف ذکر کرده است (حلی، پیشین: ۲۳۱).

علامه حلی در تذکره می‌نویسد: طهارت در طواف شرط است پس نزد علما طواف محدث صحیح نیست.

و نیز علامه در مختلف می‌نویسد: اصحاب ما تصریح دارند بر اینکه اگر از روی فراموشی بدون وضو طواف کند پس اگر طواف واجب باشد اعاده کند و اگر طواف مستحبی باشد مجزی است (همان: ۲۱۴).

ابوالصلاح حلبی هم گفته: از شرایط صحت طواف داشتن طهارت است (الحلبی، پیشین: ۱۹۵).

محقق اردبیلی هم گفته است: بر این دو (شرطیت طهارت برای طواف واجب و عدم آن برای طواف مستحب) اخبار زیادی دلالت می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۲).

صاحب جواهر می‌نویسد: طهارت از حدث اصغر و اکبر در طواف واجب را بلاخلاف می‌یابیم بلکه بر هر دو قسمش اجماع محقق و منقول هست (نجفی، پیشین: ۶۸).

### ۲-۲-۱-۲- نظر اهل سنت

در مورد وجوب طهارت از حدث برای طواف، بین علمای عامه اختلاف نظر است و در این مورد سه دیدگاه وجود دارد:

### دیدگاه اول:

طهارت از حدث اصغر و اکبر و خبث در بدن و ثوب و مطاف شرط طواف است، پس اگر محدث طواف کند طواف او مجزی نیست، چه اینکه طواف او رکن باشد یا واجب یا نافله. این قول از اکثر علما است و قول مشهور در مذهب احمد و اکثر اصحابش است. (حلبی، پیشین: ۵۵۸).  
مالک و اصحابش و شافعی و اصحابش قائلین به این قول هستند. و قول مشهور نزد حنابله نیز همین است (مغربی، ۱۴۲۳ج ۱: ۱۵۵).

### ادله این قول:

#### دلیل اول: قول خداوند متعال:

و خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان (از لوث بتان و بت پرستان) پاک و پاکیزه دار.<sup>۱</sup>  
وجه استدلال: آیه فی الجملة دلالت بر امر به طهارت برای طائفین دارد. آیه فی الجملة دلالت بر امر به طهارت برای طائفین دارد.

دلیل دوم: فعل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

عایشه می گوید: وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد مکه شد، اولین کاری که انجام داد این بود که وضو گرفت سپس طواف خانه کعبه انجام داد (البخاری الجعفی، ۱۴۰۱: ج ۳، ۴۹۶).

وجه استدلال: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وضو گرفت و سپس طواف کرد و حال اینکه در حج فرمود «لتأخذو مناسککم». این امر دلالت بر وجوب دارد پس چون پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای طواف وضو گرفت پس برای امتثال امر پیامبر لازم است ما نیز برای طواف وضو بگیریم و چون فعل پیامبر بیان و تفضیل برای اقوال پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای قول خداوند «و طواف را گرد خانه عتیق (بیت الحرام کعبه) به جای آرند»<sup>۲</sup> است.

#### دلیل سوم: احادیث

حدیث عایشه که در حالی که معذور بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به او فرمود:

آنچه حج گزاران انجام می دهند انجام بده، ولی طواف خانه کعبه را تا زمانی که طاهر نشده ای انجام مده. (همان: ۴۰۷)

وجه استدلال: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) طواف را به نماز تشبیه فرمود؛ پس همانگونه که طهارت در نماز شرط است در طواف نیز شرط است.

دیدگاه دوم: طهارت در طواف واجب است و در صورت ترک طهارت، با دم جبران می شود. ابوحنیفه و اکثر اصحابش به این قول قایل شده اند (کاسانی حنفی، پیشین: ۴۹).

دیدگاه سوم: براساس این نظر طهارت برای طواف مستحب است. احمد در یکی از اقوالش از اصحاب ابوحنیفه قایلین به این قول هستند (همان).

### ۲-۲-۲- طهارت از خبث

منظور از طهارت از خبث طهارت بدن و لباس طواف کننده از نجس است.

### ۲-۲-۱- نظر فقهای امامیه

از نظر فقهای امامیه طهارت از خبث برای طواف واجب است. برای شرطیت طهارت از خبث به اخبار رسیده از معصومین (علیهم السلام) استدلال شده که بعضی از آنها ذکر می گردد.

از امام صادق در مورد مردی که در حال طواف در لباسش خون می بیند سوال شد، فرمود: اگر موضعی را که در آن خون دیده نگاه کند و می شناسد، خارج شود و آن را بشوید سپس برگردد و طوافش را تمام کند (طوسی، پیشین: ۱۴۷).

یونس ابن یعقوب می گوید: به امام صادق عرض کردم: در حال طواف در لباسم مقداری خون دیدم. فرمود: موضع خون را بشناس سپس خارج شو و آن را بشوی سپس برگردد و طوافت را ادامه بده (شهید اول، پیشین: ۴۲۳).

حبیب ابن مظاهر روایت کرده: طواف فریضه را شروع کردم و یک شرط به جا آوردن در این هنگام شخصی به بینی ام برخورد کرد و بینی ام را خونی کرد پس خارج شدم و آن را شستم و طواف را از ابتدا شروع کردم بعد آن را برای امام حسین (علیه السلام) بیان کردم فرمود: کار بدی کردی (اشتباه کردی). برایت سزاوار بود که بنا بر آنچه طواف کردی بگذاری. پس فرمود: ولی چیزی بر تو نیست. (کفاره یا اعاده بر تو واجب نشده) (همان: ۴۴۷).

از امام صادق در مورد مردی که در لباسش خونی است که با مثل آن نماز جایز نیست، و با آن لباس طواف کرده سوال شد، فرمود: طواف در آن لباس برایش مجزی است سپس آن را در می آورد و در لباس پاک نماز می خواند (طوسی، پیشین: ۱۴۷).

### اقوال علمای امامیه:

۱. حج / ۲۶.

۲. حج / ۲۹.

با توجه به روایات، اقوال علما در این مقام مفید شهرت بلکه اجماع است، که مواردی از آن ذکر می‌گردد. شیخ می‌نویسد: جایز نیست مرد در حالیکه در لباسش چیزی از نجاسات از قبیل خون و غیر آن باشد طواف کند و هنگامی که در حال طواف علم به نجاست لباسش پیدا کرد آن موضع که طوافش به آنجا رسیده را معلوم کند و خارج شود و لباس را درآورده و در لباس پاک نماز بخواند و لازم نیست طواف را اعاده کند (طوسی، پیشین: ۱۴۸).

شیخ در نهایه نیز به همین مطلب اشاره کرده است، و در مبسوط نوشته: حکم بدن و لباس مساوی است. (همان) قطب‌الدین بیهقی کیدری می‌نویسد: واجب در طواف نیت و طهارت از حدث و نجس است (البیهقی الکیدری، پیشین: ۱۵۴). محقق حلی می‌نویسد: طهارت و ازاله نجاست از لباس و بدن در طواف واجب است (حلی، پیشین: ۲۱۴). علامه حلی می‌نویسد: شیخ گفته؛ جایز نیست با لباس نجس طواف کند و این زهره و این ادریس نیز چنین گفته‌اند و این حمزه طواف در لباس نجس را مکروه دانسته و همچنین اگر به بدنش نجاستی برسد.

### استدلال علامه حلی:

۱. طواف با لباس و بدن نجس متضمن داخل نمودن نجاست به مسجد است و این ممنوع است. او به روایت یونس ابن یعقوب استدلال کرده، می‌گوید امر برای وجوب است.

۲. طواف مانند نماز است و همانگونه که در نماز از نجاست در ثوب و بدن واجب است در اینجا نیز واجب است. و ابن جنید گفته: اگر در لباس احرامش طواف کند و خونی به آن اصابت کند نماز در آن برایش حلال نیست طواف در آن مکروه است و اگر هنگام نماز آن را درآورد مجزی است.

### ادله ابن جنید:

۱. اصل (اصل عدم وجوب)

۲. روایت امام صادق (علیه السلام) ... از امام صادق در مورد مردی که در لباسش خونی است که با مثل آن نماز جایز نیست، و با آن لباس طواف کرده سوال شد، فرمود: طواف در آن لباس برایش مجزی است سپس آن را در می‌آورد و در می‌آورد و در لباس پاک نماز می‌خواند (طوسی، پیشین: ۴۲۰).  
۳. آنچه در نماز حرام است در طواف حرام نیست. و اینکه محرمان طواف مانند نماز نیست.

### جواب علامه از ادله ابن جنید

۱. دلیل اول ایشان با احتیاط معارض است.

۲. در مورد روایت: روایت مرسله است و علاوه بر آن دلالت بر محل نزاع ندارد زیرا احتمال دارد که با جهل به نجاست در آن طواف کرده است.

۳. در مورد دلیل سوم: دلالت بر مراد ندارد (حلی، پیشین: ۱۴۸).

علامه در تذکره نیز می‌نویسد: خالی بودن بدن و لباس از نجاست برای صحت طواف شرط است؛ نجاست خون باشد یا غیر آن، کم باشد یا زیاد، فرقی نمی‌کند و به حدیث الطواف بالبیت صلوه استدلال کرده و اینکه طهاره از خبث در نماز شرط است پس در طواف هم شرط است. (همان) صاحب حدائق می‌نویسد: و از شرط طواف ازاله نجاست از لباس و بدن است، بنا بر قول مشهور و شیخ به آن تصریح کرده است و ابن ادریس و محقق و علامه و غیر ایشان اینطور گفته‌اند و ظاهر کلامشان این است که در معفو عنه و غیر آن فرقی نیست بلکه شیخ در مختلف به آن تصریح کرده است. روایت شیخ و صدوق و روایت یونس ابن یعقوب هر دو با یک مضمون است و بر قول مشهور دلالت دارد (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۸۶). نظر عامه: نظر علمای عامه در این شرط، با شرط قبل یکسان است که در بحث طهارت از حدث گذشت.

### ۲-۲-۳- طهارت کودک از منظر فقهای امامیه و تسنن

هنگامی که ولی می‌خواهد مولی‌علیه را طواف دهد شکل وضو را به او یاد بدهد (چون حقیقت وضو آن است که خود شخص وضو گیرنده نیت کند که در اینجا غیرممکن است) (حلبی، پیشین: ۱۷۲؛ مسجد سرابی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۳۷). اگر بعد از طواف متوجه شوند که کودک محدث شده، ولی ندانند که حدث در حال طواف بوده یا بعد از طواف، اعتنا نکنند و طواف صحیح است. و اگر درائتای طواف یا بعد از آن یقین کنند که کودک در بین طواف محدث شده، ولی ندانند دور چندم بوده، احتیاطاً طواف باطل است و بنا بر احتیاط واجب پس از تطهیر و وضو دادن کودک، دوباره او را طواف دهند. مالکی و شافعی معتقدند که طواف بدون طهارت چه عمداً و چه سهواً کافی نیست، و ابوحنیفه قائل است که کفایت می‌کند و اعاده آن مستحب است و ابو ثور قائل است که طواف را بدون وضو انجام دهد در صورت عدم علم کفایت می‌کند و در صورت علم و آگاهی کافی نیست (قرطبی، پیشین: ۱۰۹).

### ۲-۳-۳- ختان

### ۲-۳-۱- نظر فقهای امامیه

بنا بر نظریه امامیه در صحت طواف برای مرد ختان شرط است و طواف اقلف صحیح نیست. و در این مورد اجماع دارند. از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی که اسلام می‌آورد، پس می‌خواهد ختنه شود و ایام حج هم فرا رسیده سوال شد: آیا حج با آوردن یا ختنه شود؟ فرمود، حج بجا نمی‌آورد تا اینکه ختنه شود (شهید اول، پیشین: ۳۶۹).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اشکالی ندارد که زن غیر مخفوضه طواف کند اما مرد پس فقط در صورتی که مختون باشد طواف کند (همان). این اخبار دلالت بر شرطیت ختان برای طواف دارد و معارضی ندارد. شیخ می‌نویسد: برای مرد مختون جایز نیست طواف کعبه انجام دهد (طوسی، پیشین: ۱۴۶). در نهایت نیز همین عبارت را آورده با این اختلاف که در عبارت تهذیب غیر مختتن و در نهایت غیرمختون آورده است.

### ۲-۳-۲- نظر اهل سنت

اهل سنت ختان را برای صحت طواف شرط نمی‌دانند و در مورد طواف مختون و اغلف در کتب فقهی آنها سخنی به میان نیامده است.

۳-۳-۲- ختان کودک از منظر فقهای امامیه و تسنن

ختنه در مردان یکی از شرایط صحت طواف است و همچنین است پسر بچه نابالغ؛ خواه ممیز باشد، یعنی خوب و بد را تشخیص دهد و خود محرم شود یا غیر ممیز که به خاطر کوچکی او را محرم کنند.

مذاهب اهل سنت ختان را شرط صحت طواف نمی‌دانند.

فقهای امامیه می‌گویند اگر بچه غیر مختون طواف کند مجزی نیست. آنها به روایات وارده از امام صادق (علیه السلام) استدلال کرده‌اند: از امام صادق (ع) نقل شده است: درباره نصرانی که اسلام آورده و در ایام حج حاضر شده است در حالی که ختنه نیست، آیا قبل از اینکه ختنه کند می‌تواند حج را به‌جا بیاورد حضرت فرمود: باسنت آغاز نکرده است و همچنین امام صادق در خصوص ختان طفل فرمودند اغلف (غیرمختون) طواف کعبه نمی‌کند و اشکالی ندارد که زن طواف کند (طوسی، پیشین: ۱۴۷).

برخی ختان را در طواف کودک ممیز شرط دانسته و گفته‌اند مقابله بین مرد و زن در روایات، گرچه ظهور در تعمیم همه افراد ذکور دارد، نمی‌توان آن را شامل غیر ممیز دانست؛ چون افرادی که خود طواف می‌کنند، مأمور به ختان‌اند. در حالی که کودک غیر ممیز مأمور به طواف نیست و سرپرست مأمور به آن است (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۳۶). امام خمینی در این مورد چنین می‌فرماید: «طواف کننده باید ختنه شده باشد و احتیاط آن است که اطفال نیز آن را رعایت کنند. بنابراین، اگر طفل ختنه نشده‌ای به امر ولی خود محرم شود و یا ولی او محرمش کند، احرامش صحیح است ولی طوافش بنا بر احتیاط صحیح نیست. پس اگر به احرام حج محرم شده، بنا بر احتیاط زن‌ها بر او حرام اند وقتی حلال می‌شوند که طواف نساء را ختنه شده انجام دهد و یا شخص را برای طوافش نایب بگیرد و اگر طفلی ختنه شده به دنیا آمده باشد طوافش صحیح است (خمینی، پیشین: ۲۲۷).

ختان در کودک اعم از ممیز و غیر ممیز فقط در فقه امامیه مطرح است که در مطالب فوق‌الذکر بدان اشاره شد و فقهای اهل سنت بحث ختان را در ذکور بالغ شرط صحت طواف نمی‌دانند که به طریق اولی در کودک اعم از ممیز و غیرممیز، ختان شرط صحت طواف در اهل سنت نیست.

### ۳- طواف نساء

#### ۳-۱- نظر فقهای امامیه

از نظر فقهای امامیه طواف نساء از طواف‌های واجب حج و عمره است. بنا بر اشهر روایات، طواف نساء بر مردان و زنان، بچه‌ها و بالغ‌ها، پیرها و خصی‌ها واجب است و در هیچ حالی ترک طواف نساء جایز نیست و در صورتی که مرد آن را ترک کند زن بر او حلال نمی‌شود و نیز اگر زن آن را ترک کند، مرد بر او حلال نمی‌شود. اما در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست. طواف نساء اگرچه واجب است اما رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود (طوسی، پیشین: ۳۶۰). روایات متعددی بر وجوب طواف نساء دلالت دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود: امام صادق (ع) در ذکر واجبات حج فرمود: طواف نساء واجب است (القمی ۱۴۱۳: ج ۱، ۶۰۶). امام رضا (ع) درباره آیه «و باید طواف را گرد خانه عتیق (بیت الحرام کعبه) به جای آرند» فرمود: مقصود از طواف واجب، طواف نساء است (کلینی، پیشین: ۱۴۲).

امام صادق علیه السلام چون چنین کردی - طواف زیارت را انجام دادی - از هر چیزی که بر تو حرام بود بیرون آمدی، مگر زنان. سپس به کعبه برگردد و هفت دور دیگر آن را طواف کن، سپس دو رکعت نماز کنار مقام ابراهیم علیه السلام بخوان، آنگاه از هر چیز (حرام) بیرون آمده‌ای و از همه حج خود و هر چه که بر تو حرام شده بود، فارغ شده‌ای (کلینی، پیشین: ۲۱۲).

امام صادق (ع) فرمود بر کسی که حج تمتع انجام می‌دهد سه طواف خانه کعبه و دو سعی صفا و مروه واجب است (کلینی، پیشین: ۲۱۹).

امام صادق (ع) فرمود: اگر خداوند عزوجل به وسیله طواف نساء بر مردم منت نمی‌گذاشت هر آینه مرد به سوی اهلس بر می‌گشت و اهلس بر او حلال نمی‌شد (همان).

امام صادق (ع) فرمود: اگر خداوند به وسیله طواف نساء بر مردم منت نمی گذاشت هر آینه به منازل خود بر می گشتند و بر ایشان سزاوار نبود که زنان خود را مس کنند یعنی زن‌ها بر آنها حلال نمی شد تا اینکه برگردند و هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کنند بعد از سعی صفا و مروه و این (طواف نساء) بر مردان و زنان واجب است (همان).

معاویه بن عمار از ابی عبدالله روایت کرده: به آن حضرت (علیه السلام) عرض کردم مردی طواف نساء را فراموش کرده تا اینکه به سوی اهل خویش برگشته؛ پس فرمود: امر می کند کسی را مأمور می کند یا از جانب او طواف نساء را بجا آورد اگر حج بجا نیاورد پس همانا زن‌ها بر او حلال نمی شوند تا اینکه طواف خانه کعبه کند.

از احمد بن محمد بن ابن عمیر از اسماعیل ابن ریاح روایت شده گفت: از ابا الحسن در مورد کسی که عمره مفرده بجا می آورد سوال کردم: آیا بر او طواف نساء واجب است؟ فرمود: بلی (طوسی، پیشین: ۱۵۴).

### ۳-۲- طواف نساء از نظر اهل سنت

از نظر عامه طواف نساء تشریح نشده و نه به عنوان واجب و نه مستحب از آن نامی نبرده اند و حیلت زنان را به طواف زیارت می دانند و به روایت زیر استناد می کنند.

این اقدام در توضیح این روایت گفته: زمانی که بعد از رمی و نحر و حلق طواف را انجام داد و سعی را نیز تمام کرد تمام آنچه به خاطر احرام بر او حرام شده بود حلال می شود و در حصول حل به آنچه ذکر کردیم خلاقی نیست.

### ۳-۳- طواف نسا کودک از منظر فقهای امامیه و تسنن

در مورد وجوب طواف نساء بر صبی، همه علماء (غیر از یک نفر) اتفاق نظر دارند. شهید اول در دروس گفته است: «طواف نساء واجب است ولی با ترک آن حج باطل نمی شود اما زن هم بر او حلال نمی گردد و حکم خصی و خنثی و صبی نیز چنین است؛ «و یلزم به الصبی الممیز، و یطوف الولی بغیر الممیز، و لو ترکاه وجب قضاؤه کما یجب علی غیرهما، و یحرم علیهما النساء بعد البلوغ و یمنعان من الاستمتاع بالحلائل قبل البلوغ» (شهید اول، پیشین، ۴۰۴). صاحب جواهر می نویسد: عده ای تصریح کرده اند اگر صبی طواف نساء را ترک کند، زن بر او بعد از بلوغش حرام خواهد شد؛ چرا که احرام بستن سبب حرمت زنان می شود و این حکمی وضعی است و احکام وضعیه تنها اختصاص به مکلفین ندارد بلکه شامل غیرمکلفین هم می شود (نجفی، پیشین: ۲۶۰). اما در میان فقهای معاصر تنها مرحوم آیت الله خوئی به مخالفت برخاسته و قول عدم وجوب طواف نساء بر صبی را ترجیح داده است. ایشان می گوید: ظاهر آن است که با ترک طواف نساء زن بر او حرام نمی شود؛ زیرا دو نوع حکم بر احرام بار می شود: ۱- حکم وضعی؛ مانند بطلان عقد در حال احرام: از شرایط عقد آن است که در حال احرام عقد بسته نشود، لذا از این جهت فرقی میان بالغ و غیربالغ وجود ندارد؛ زیرا احکام وضعیه تنها به بالغین اختصاص ندارد پس اگر صبی در حال احرام عقد نکاح ببندد صحیح نخواهد بود. ۲- حکم تکلیفی؛ مانند ترک تقبیل و ترک لمس با شهوت: اینها احکام تکلیفی محض هستند و این نوع احکام از آغاز در حق صبی ثابت نیست تا اینکه گفته شود با طواف نساء این محذورات نیز برطرف می شود؛ چون شرط حکم تکلیفی بلوغ است. پس، وقتی محرم مکلف نباشد در واقع چیزی بر او حرام نخواهد بود. پس وی می تواند مرتکب آن‌ها شود. بنابراین، حرمت ترک طواف نساء، از احکام مختص بالغین بوده، لذا صبی با ترک آن حجت صحیح است و زن بر او حرام نمی شود (خوئی، پیشین: ۳۶۱). بنابراین، اگر کودک ممیز اعمال حج را انجام دهد ولی سهواً یا جهلاً طواف نساء را به جا نیاورد و آنگاه بخواهد بعد از بلوغ ازدواج کند، زنان بر او حلال نبوده و حتی عقد کردن آن‌ها نیز حلال نیست مگر اینکه خود یا نایبش انجام دهد (موسوی شاهرودی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۵۳) طواف نساء در فقه اهل سنت از واجبات حج یا عمره بشمار نیامده است.

### نتیجه گیری

در خصوص حج کودک نظر کلی بر عدم وجوب آن برای فرد غیر مکلف است اما در پاسخ به این پرسش که اگر کودک به حج مشرف گردید آیا شرط درستی اعمال در خصوص وی صدق می کند یا نه و در صورت عدم انجام صحیح اعمال آیا بر عهده وی مسئولیت شرعی بار می گردد یا خیر فروض مختلف مطرح است. در مبحث نیت اعم از اینکه کودک نیت کند یا ولی به نیابت از او نیت کند، در بین فقهای امامیه و تسنن اختلاف نظری وجود ندارد و همگان بر آنند که در صورت توانایی خود کودک و در غیر اینصورت ولی کودک به نیابت از او می تواند نیت طواف کند. در خصوص شرط دوم که طهارت است فقهای امامیه طهارت را در دو مرحله مورد ارزیابی قرار داده اند. در مرحله نخست اصل را بر صحت طواف در صورت شک بر عدم طهارت قبل یا بعد از طواف می دانند و در اینصورت طواف را صحیح دانسته و می گویند نباید به آن شک (که آیا ممکن است از بین رفتن طهارت مربوط به قبل یا حین طواف باشد و یا بعد از آن) اعتنا نمود و در نتیجه طواف صحیح است. مرحله دوم زمانی است که در اثنا طواف یا بعد از آن یقین کنند که کودک در بین طواف محدث شده، ولی ندانند دور چندم بوده، احتیاطاً طواف باطل است و بنا بر احتیاط واجب پس از تطهیر و وضو دادن کودک، دوباره او را طواف دهند. در خصوص طهارت فقهای اهل سنت بر دو دسته اند: مالکی و شافعی معتقدند که طواف بدون طهارت چه عمداً و چه سهواً کافی نیست، و ابوحنیفه قائل است که کفایت

می‌کند و اعاده آن مستحب است و ابو ثور قائل است که طواف را بدون وضو انجام دهد در صورت عدم علم کفایت می‌کند و در صورت علم و آگاهی کافی نیست. در خصوص شرط سوم که ختان کودک ذکور است فقهای اهل سنت آنرا حتی در ذکور بالغ شرط صحت طواف نمی‌دانند و به طریق اولی در خصوص کودک اعم از ممیز و غیر ممیز آنرا از شروط صحت طواف برنشمردند و در این خصوص سکوت اختیار کرده‌اند. اما در بین فقهای امامیه در این خصوص فتاوی مختلف صادر شده است. فقهای امامیه می‌گویند اگر بچه غیر مختون طواف کند مجزی نیست. آنها به روایات وارده از امام صادق (علیه السلام) استدلال کرده‌اند. بیان این سطر بیان یک قاعده کلی در شرط ختان صغیر است. اما در بین فقهای امامیه در خصوص شرط ختان برای صغیر ممیز و صغیر غیرممیز فتاوی مختلفی وجود دارد. برخی چون آیت الله موسوی خویی ختان را در طواف کودک ممیز شرط دانسته و برخی چون امام خمینی شرط ختان را برای صغیر اعم از ممیز و غیر ممیز آورده‌اند. در خصوص طواف نساء، از نظر فقهای اهل تسنن طواف نساء تشریح نشده و نه به عنوان واجب و نه مستحب از آن نامی نبرده‌اند. پس به طریق اولی وقتی بر افراد بالغ واجب نیست در خصوص کودک حکم و جوب در این خصوص معنا ندارد. برعکس فقهای اهل تسنن، فقهای امامیه طواف نسا را از طواف‌های واجب حج و عمره میدانند و در مورد وجوب طواف نساء بر صبی، همه علماء (غیر از یک نفر) اتفاق نظر دارند. فقهای امامیه معتقدند اگر کودک اعمال حج را انجام دهد ولی سهواً یا جهلاً طواف نساء را به جا نیاورد و آنگاه بخواهد بعد از بلوغ ازدواج کند، زنان بر او حلال نبوده و حتی عقد کردن آن‌ها نیز حلال نیست مگر اینکه خود یا نایبش انجام دهد. اما در میان فقهای معاصر تنها مرحوم آیت الله خویی به مخالفت برخاسته و قول عدم وجوب طواف نساء بر صبی را ترجیح داده است.

## منابع و ماخذ

### قرآن کریم

۱. البخاری الجعفی، ابي عبدالله محمد بن إسماعیل بن ابراهیم ابن المغیره بن بر دزبه، صحیح البخاری، ج ۳، دارالفکر، ۱۴۰۱، بیروت.
۲. البصری البغدادی، ع. الحاوی الکبیر. دار الکتب العلمیه ۱۴۱۹ هـ ق. بیروت.
۳. البهوتی الحنبلی، منصور بن یونس، کشف القناع عن متن الآقناع، دارالکتب العلمیه. بیتا، بیروت.
۴. البیهقی الکیدری، قطب الدین، أصباح الشیعه بمصباح الشریعه، ج ۱، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام. آبی تا، قم.
۵. اردبیلی. احمد. مجمع الفائده و البرهان. دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۳ ق. قم.
۶. الحلبي. ابي صلاح. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ هـ ق، قم.
۷. الخوانساری، أحمد جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۲، مکتبه الصدوق الطبعة الثانیه ۱۳۵۵ هـ ش، طهران.
۸. الدارمی، أبو محمد عبدالله بن الرحمن بن الفضل بن بهرام سنن الدارمی، ج ۲، باب البرید. ۱۳۴۹، دمشق.
۹. العلامه الحلبي، الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی إرشاد الأذهان إلى أحكام الآیمان، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرقه. آبی تا، قم.
۱۰. البحرانی. یوسف. الحدائق الناضرة. دفتر انتشارات اسلامی ۱۴۰۵ ق. قم
۱۱. الدسوقی مالکی، شمس الدین شیخ محمد عرفه، الشرح الکبیر للشیخ الدردیر، بیروت، دار الفکر، دار الکتب الإسلامیه. بی تا، چاپ چهارم، تهران.
۱۲. الکاسانی الحنفی، علاءالدین آبی بکر بن مسعود الملقب بملک العلماء، بدائع الصانع فی ترتیب الشرائع، ج ۳، المکتبه الحبیبه الکاسانی. ۱۴۰۹، پاکستان.
۱۳. النمری القرطبی، ابي عبدالله الانصاری، الکافی فی فقه أهل المدينه، مکتبه الرياض الحديثه. ۱۴۰۰ هـ ق، الرياض.
۱۴. طوسی. ابي جعفر حسن. الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۷ هـ ق. قم.
۱۵. عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد، مفتاح الکرامه. دفتر انتشارات اسلامی ۱۴۱۹ ق. قم.
۱۶. قمی. ابي جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابويه. من لا یحضره الفقیه. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۳ هـ ق. قم.
۱۷. مسجد سراپی. ح.. کاملترین ترجمه نموداری شرح لمعه شهید ثانی. انتشارات حقوق اسلامی. ۱۳۹۵، چاپ هشتم، قم.
۱۸. مغربی. م.. مواهب الجلیل عالم الکتب.. ۱۴۲۳ هـ ق بیروت.
۱۹. موسوی خمینی. روح الله، تحریر الوسیله. مترجم: اسلامی. ع. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۲۸ هـ ق. قم.
۲۰. موسوی خویی. ا. موسوعه الإمام الخوئی، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی. ۱۴۱۸ هـ ق. قم.
۲۱. موسوی شاهرودی. م. جامع الفتاوی - مناسک حج. نشر مشعر. ۱۴۲۸ هـ ق. قم.
۲۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۷، تهران.